



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

14

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود 29 اوت 2007 - 7 شهریور 1386



در سالروز 9 شهریور

یاد جانباختگان را گرامی بداریم!

تابستان 67 یک قلم از کارنامه جنایت و کشتار جمعی جمهوری اسلامی است. در این سال بدستور خمینی و با مباشرت نیری و اشراقی و پورمحمدی، هزاران زندانی سیاسی در مدتی کوتاه و در سکوت اعدام شدند. کشتار و قتل عام تابستان 67 ادامه اعدامها و کشتار وسیع سال 60 و سالهای 61 و 62 است. جنایت و اعدام و شکنجه و زندان و ترور شناسنامه این رژیم است. سران و کارگزاران و برپادارندگان این رژیم و صفی از مقامات حکومتی، که خیلی هایشان امروز بعنوان "دکتر" و "دگراندیش" و "اصلاح طلب" و "میانه رو" و "اصولگرا" از مردم طلبکار هم هستند، از بانیان و مجرمین و مدافعین این قتل عامها هستند.

ما مردم، ما طبقه کارگر، ما بازماندگان آشوبتت اسلامی در ایران، نه قصد بخشش داریم و نه به سیاق مسلمین فلسفه قصاص و انتقام داریم. ما علیه نفس مجازات اعدام هستیم و برای الغای بیقید و شرط آن تلاش میکنیم. ما برای آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی، برای سرنگونی تمام عیار حکومت اسلامی، و برپائی دنیای بهتر مبارزه میکنیم. تا امروز موظفیم تاریخ سببیت اسلامی و جنایت و اعدام و کشتار عزیزانمان را زنده نگاهداریم تا در فردای پیروزی بر ارتجاع اسلامی، باشکوهترین مراسمهای تجلیل از جان باختگان را برپا کنیم و به پاس تلاش انسانی شان برای یک جامعه آزاد و برابر، مجازات اعدام را الغا کنیم. در سالروز 9 شهریور یاد جانباختگان را گرامی بداریم!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

5 شهریور 1386-27 اوت 2007



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

مردم تسلیم نشدند!

ماشین سرکوب بیوقفه کار میکند. هر روز اخبار اعدام و دستگیری و تهاجم است. این اما یک روی سکه است. تنگناهای لاعلاج رژیم هنوز پاسخ نگرفته اند. روی دیگر سکه مقاومت در پائین است. معلمان دور جدید اعتراضاتشان را شروع کردند. کارگران اعتصابات را ادامه میدهند. نیشکر هفت تپه و اتوبوسرانی کرمانشاه شاخص عزم دیگری در میان کارگران است. زنان صدایشان بلندتر میشود. لایحه جدید این صدا را بلند تر هم میکند. در بالا ترس موج میزند. دعوا شدید است. "انتخابات" در راه است. هر کسی دنبال سهم و موقعیت در نظام و لقمه چرب تر است. طبق معمول اپورتونیسیم آخوندی را با نام "عقلانیت" به خورد هوادارانشان میدهند. طرفداران اینها در خارج در مقابل سرکوبهای جمهوری اسلامی سکوت کردند. چشم امیدشان به رشادت برادران داخل در این "انتخابات" است و به اصطلاح "پخته" عمل میکنند!

عدم موفقیت تائکونوی رژیم در تقابل با مردم، شکاف در بالا، فرصت میدهد تا ورق را برگرداند. مردم تسلیم نشدند اما میتوانند پیروز شوند. گام اول گسترش اعتراض برای عقب راندن جمهوری اسلامی است. سرنوشت "انتخابات" رژیم را میتوان از حالا تعیین کرد.*

جنبش ایدئولوژیک

نئوکنسرواتیسم در بحران

خسرو دانش

صفحه 6



نوری در انتهای تونل

مژده: آخوند میانه رو بعدی ظهور میکند!

منصور حکمت

صفحه 2

ضمیمه 14 یک دنیای بهتر منتشر شد!

در باره بحران سازمان زحمتکشان

بحران ناسیونالیسم کرد و بازسازی کومله و

بحران و انشعاب در کومله، سخنرانی در انجمن مارکس لندن از منصور حکمت

صف زحمتکشان را ترک کنید!

نسرین رضائعی

زحمتکشان ظرف میارزه از ادیخواهانه نیست!

سیروان قادری

تزهائی در باره موقعیت جدید

سیاسی در ایران

علی جوادی

صفحه 3



بولتن مباحثات کمونیسم کارگری

منتشر میشود!

در صفحات دیگر؛ گزارش از زندانها و معلمان، از اطلاعیه ها، نامه ها و ستون آخر.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



و بعد خاتمی عروج کرد. فیل ها یاد هندوستان ها کردند. دوباره این مضحکه با همه بازیگرانش، با تفسیر نویسه‌های رادیوهای فارسی زبان غربی، دگر اندیشه‌های ملی اسلامی و انجمن‌های متفرقه دوم خردادی، از نو شروع شد. بوی گند این دوران در مشام همه تازه است.

و بعد در اوج پیروزی، شکست. حکم ولایتی خامنه ای و تمکین مجلس پروژه خاتمی را به تعطیل کشید. برای چندمین بار کمر نهضت شکست. کسی نفهمید اینهمه صاحب‌نظر دوم خردادی یکشنبه کجا ناپدید شدند. غبار سنگین غم تمام اردوگاه منهدم شده شان را در خود فروبرده است.

بگذارید یکبار هم ما باشیم که به این صف بخت برگشته امید میبریم. برخیزید. هنوز چند ماهی فرصت برای عنتربازی‌های دیگری هست. تهران را نگاه کنید. طه هاشمی را، گروه نواندیشان دینی را، از خاتمی پشتشان فرص تر است، عمامه شان به همان عقی و زیرجامه شان به همان تمیزی است. برخیزید. به هم زنگ بزنید، به آنها زنگ بزنید، کنفرانسی بگذارید، کانونی تاسیس کنید، به ما دشنام بدهید. مردم را تحقیر کنید. از اسلام تعریف کنید. دکانتان را دایر کنید.

انترناسیونال هفتگی شماره ۴۲

۵ اسفند ۱۳۷۹ - ۲۳ فوریه ۲۰۰۱

نشریه

یک دنیای بهتر

را تکثیر و توزیع کنید!

مهمتر، دوران انتظار برای سامان یابی مجدد یاران حکومتی سابق بصورت یک جناح قابل ذکر در درون رژیم. دوران جستجوی بین المللی برای کشف "آخوند معتدل" در حکومت اسلامی.

و بعد "پرزیدنت رفسنجانی" ظهور کرد و منظره دوباره بهم ریخت. در این فاصله البته با سقوط بلوک شرق و پیروزی ریگان‌نیم، از لابلای عمارت سازمانی فرو ریخته احزاب اپوزیسیون طرفدار حکومت، طیف "نویسنده‌گان" و "ژورنالیست‌ها" و "تحلیل‌گران" و "پژوهشگران" "دگر اندیش" و "منفرد" و "مستقل" و تازه دموکراتی بیرون خزیده بودند که اینک اپولوژی و زبان و سابقه حزبی و اردوگاهی را جایی دفن کرده و در خارج کشور در دانشکده ای اسم نوشته بودند. اینها بستر اصلی نهضتی شدند که میبایست بار زمین افتاده یاری و همکاری با حکومت اسلامی بنام اپوزیسیون را بدوش بکشند. "پرزیدنت رفسنجانی" یکشنبه قبله آنها شد. باز بی سی و رادیو فرانسه و رسانه ها و کانوئهای متفرقه شروع به پروپاگاندا کردند. آنتی کمونیسم، آنهم در فضای راست آن روزها، اوج گرفت. با همین زمختی و شناختی که این سالها زیر عکس خاتمی به آزادیخواهی و کمونیسم فحاشی کردند، آن روزها حول شمایل رفسنجانی گرد آمده بودند. قرار بود به زودی به ایران بروند، اسلام مدرن شده بود. جامعه "مدنی" شده بود. متاسفانه سن همه ما آنقدر هست که آن دوران را بخاطر داشته باشیم.

اما رفسنجانی کسی را به ایران نبرد. با قتل های متعدد دولتی در خارج کشور، و بالاخره با میکونوس، پرونده رفسنجانی بسته شد. یاس و افسردگی در این طیف بالا گرفت. یواشکی صحنه را خالی کردند.

نوری در انتهای تونل

مژده: آخوند میانه رو بعدی ظهور میکند!

منصور حکمت

قابل توجه طرفداران مبارز و صادق قوه های مجریه و مقننه، انجمنهای دوستداران وزارت اطلاعات، بازماندگان غمگین نهضت دوم خرداد، دگراندیشان ضد کمونیست نهضت ملی - اسلامی و شخصیتها و گروههای محجوب و پاکدامن اپوزیسیون طرفدار رژیم و مشتاقان پروتستانیسیم و مدرنیته اسلامی.

نوری در انتهای تونل

مژده: آخوند میانه رو بعدی ظهور میکند!

منصور حکمت

متاسفانه سن بعضی از ما آنقدر هست که هنرنمایی های طیف حزب توده و اکثریت بعنوان سازمانهای خط امام و یاور خمینی و سپاه پاسداران و جوش و خروش حزب رنجبران و جریانات مائونیست و ملی در دفتر "پرزیدنت بنی صدر" را بخاطر داشته باشیم.

و بعد جنگ جناحهای رژیم بالا گرفت. با هزیمت بنی صدر، حزب رنجبران و صف ملیون اجبارا و با اکراه به اپوزیسیون پیوستند. چندی بعد حزب توده و اکثریت علیرغم همه اعلام وفاداری ها و خوشخدمتی ها از حاشیه حکومت به صف اپوزیسیون پرتاب شدند. دوران سختی برای یاران مکلائی حکومت اسلامی آغاز شد. دوران "انحصار طلبی" و "تمامیت خواهی" جناح راست، دوران اقتدار موئتلفه اسلامی، دوران "بنیادگرایی". دوران سرکوفت خوردن و خفت کشیدن بخاطر همکاری با رژیم اسلامی، دوران "انتقاد از خود"، "تجدید نظر و نقد سیاست های پیشین"، دوران تلاش برای احیای کارنامه اپوزیسیونی و خارج شدن از تحریم. و از همه

بار دیگر دبیرسیون سیاسی فضای طیف اصلاح طلب و پرو- رژیمی خارج کشور را، علیرغم جست و خیز سیاسی و رساله نویسی در دفاع از "شرکت در انتخابات"، احاطه کرده است. از بی بی سی و نشریات و سایت‌های دو خردادی تا سازمانهای همیشه طرفدار رژیم ناامیدی موج میزند. جناب خاتمی اکس پرزیدنت، بار شکست دو خرداد را روی دوش "تندروها"ی جبهه خودشان گذاشته است و اصل مرزبندی با مخالفین جمهوری اسلامی را مینا قرار داده اند. "شیخ اصلاحات" جناب کروی، سفره اش را از متحدین و دیروز به نفع "عقلانیت و اصولگرایی" جدا کرده است. مجاهدین انقلاب اسلامی و مشارکتی ها و ملی مذهبی ها نفیرهای رزم میکشند و جرات کردند که اعلام کنند "نباید بگذاریم هزینه حذف کم باشد!" مثل همیشه توده ایها با جابجائی هر قائل از این و آن ارگان کابوس کودتا دارند! وقتی مشارکت و ملی مذهبی و خط امامی داخل کشور وضعش اینست، وضعیت فرخ نگهدارها و امیر خسروی ها و بقایای حزب توده و اکثریت و جمهوریبخوآهان شبه اپوزیسیون زیادی باید ناجور باشند. جمهوری اسلامی همانست و اپوزیسیون طرفدارش همان. امیدها و توهمات و اهداف ثابت اند، تنها زمان و شخصیت و سناریو و ویتترین این تشریفات است که عوض میشود. با این اوصاف، تنها آس این نبرد جناب هاشمی رفسنجانی است. لذا رفسنجانی حالا برای اینان نقش امیرکبیر و مصدق و گاندی و ماندلا را یکجا بازی میکند. چند ماه آتی این نمایش حقیر روشن تر خود را نشان میدهد. یادداشت کوتاه زیر از منصور حکمت، وصف حال این اپوزیسیون است که سیاست ورزی را بدون آخوند هیچوقت نفهمیده است.

سر دبیر

تزهایی پیرامون موقعیت جدید سیاسی در ایران!

علی جوادی



با قرار گرفتن جناح راست در موقعیت رهبری "یکپارچه" حاکمیت اسلامی، موقعیت سیاسی در ایران ویژگی‌های جدیدی بخود گرفته است. یکی از ارکان این تغییر موقعیت سیاسی در استراتژی بین المللی و داخلی ای است که رژیم اسلامی برای بقا و تداوم حاکمیت منحوس خود دنبال میکند. جناح حاکم رژیم اسلامی بر پوک بودن پایه‌های حاکمیت خود واقف است. میدانند که تنها با زدن و سرکوب و اعدام میتوانند بمانند. میدانند که هر درجه عقب نشینی زمینه تعرض و گسترش بیشتر اعتراضات مردم خواهد شد. از اینرو تهاجم همه جانبه‌ای را به مردم آغاز کرده اند. این تهاجم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. چوبه‌های دار را بر پا کرده اند. وحشیانه به زنان و جوانان حمله میکنند. فعالین و سازماندهندگان جنبش کارگری، دانشجویی و حقوق زنان را دستگیر و زندانی میکنند. روز جنایت جدیدی خلق میکنند. کمونیسم کارگری برای پیشروی نیازمند یک ارزیابی عینی از اوضاع کنونی و روندهای سیاسی موجود در جامعه است.

۱- بحران رژیم اسلامی ناشی از کشمکش جناحهای حاکمیت نبود بلکه خود این بحران محصول نخواستن کلیت رژیم توسط مردم و حاصل حرکت توده‌های مردم برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی است. با کنار زده شدن دوم خرداد و "یکپارچه" شدن رژیم اسلامی این بحران نه تنها تخفیف پیدا نکرد بلکه تشدید نیز گشته و رژیم اسلامی را بیش از پیش شکننده تر و به لحاظ اجتماعی "بی پایه" تر در مقابل مردم قرار داده است. هیچ بخشی از رژیم اسلامی قادر به حل بحران حکومتی نیست. سرکوب نیز راه حل نیست. نه تنها مردم را مرعوب نمیکند بلکه مردم جری تر میشوند. بعلاوه هیچ نقطه سازش و قرار گرفتن در دوران غیر بحرانی برای رژیم اسلامی متصور نیست. رژیم اسلامی درمانی برای بحران

اوضاع یک سیاست رژیم اسلامی در مواجهه با چنین شرایطی است.

۳- جنبش سرنگونی طلبانه توده‌های مردم در شرایط حاضر صدمات بسیاری را متحمل شده است. اما شکست نخورده است. پایان نیافته است. این جنبش مانند هر جنبش اجتماعی دیگر افت و خیزهای خود را دارد. در مسیر خود گاه‌گاه دچار شکست‌های مقطعی و عقب نشینی در نبرد و عرصه‌ای و یا برای مدتی میشود. اما از آنجائیکه زمینه‌های عینی شکل‌گیری این جنبش کماکان به قوت خود باقی است، این جنبش برای دستیابی به اهداف خود ناچار به تداوم و حرکت است. تنها یک سرکوب خونین و گسترده میتواند این جنبش را به شکست بکشاند. اما رژیم اسلامی از توان سیاسی و جنبشی لازم برای سرکوب خونین مردم در ابعاد سالهای ۶۰ و ۶۷ برخوردار نیست. رژیم اسلامی علیرغم توسل به سیاست سرکوب گسترده قادر به شکست جنبش توده‌های مردم برای سرنگونی رژیم نخواهد شد و نمیتواند سرنگونی طلبی را از دستور اعتراضات توده‌ای مردم خارج کند. سرنگونی رژیم اسلامی در حال حاضر و علیرغم تهاجم گسترده رژیم کماکان در دستور فعال جامعه و مردم قرار دارد.

۴- یکی از پی‌آمدهای تغییر و تحولات در حاکمیت رژیم اسلامی، دنبال کردن استراتژی جدید رژیم اسلامی در سطح منطقه و در ارتباط با تخصیص موجود در سطح بین المللی است. در چهار چوب این استراتژی رژیم اسلامی سیاست تعرضی گسترده‌ای را در سطح منطقه و بین المللی دنبال میکند. سیاست "برچیدن دیوارهای عدم اعتماد" دوران خاتمی کاملاً جای خود را به سیاست تقابل مستقیم و آشکار با دول متخاصم و اردوی تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش داده است. اتخاذ سیاست ارتجاعی "نابودی و محو کشور اسرائیل" نه تصادفی بود و نه ناشی از "دگماتیسم

سیاسی" صرف دولت احمدی نژاد. این گوشه‌ای از سیاست پایه‌ای رژیم اسلامی در این دوران در سطح منطقه است. جنگ اسرائیل و حزب الله یکی از جبهه‌هایی بود که رژیم اسلامی به آن شکل داد و به استقبال آن رفت. هدف رژیم اسلامی در سطح منطقه تبدیل شدن به یک قدرت فائقه و به عبارتی "ابر قدرت منطقه" است. در حال حاضر رژیم اسلامی در این راستا پیشروی‌های معینی کرده است. توازن قوای سیاسی در منطقه به درجاتی به نفع اسلام سیاسی و رژیم اسلامی تغییر کرده است. رژیم اسلامی میکوشد این موقعیت جدید در منطقه را پشتوانه تهاجم خود به جنبش سرنگونی توده‌های مردم و به شکست کشاندن جنبشهای اعتراضی در جامعه تبدیل کند. جنگ ارتجاعی آمریکا علیه عراق و شکست سیاسی آمریکا در پیشبرد پروژه منطقه‌ای اش زمینه معینی به اسلام سیاسی در تحولات منطقه و همچنین در قبال ناسیونالیسم عرب داده است. رژیم اسلامی در استراتژی جدید بین المللی خود میکوشد بطور گسترده تری به بهره‌برداری و سوء استفاده از مسأله مردم محروم و ستمدیده فلسطین بپردازد. رژیم اسلامی در عین حال در صحنه بین المللی کوشیده است که جایی برای خود در صف نیروهای "ضد امریکایی" و بخصوص در ائتلاف با کشورهای ونزوئلا، کوبا، و نیکاراگوه دست و پا کند.

۵- در حال حاضر جنبش‌های اجتماعی و جنبش سرنگونی توده‌های مردم در شرایط ویژه‌ای بسر میبرند. این جنبشها تحت تعرض وحشیانه رژیم اسلامی قرار گرفته اند. این افت موقتی و کوتاه مدت و اساساً محصول سیاست سرکوب مستقیم رژیم اسلامی و از طرف دیگر ناشی از وجود سیاستهای سازشکارانه ملی - اسلامی در بخشهایی از رهبری این جنبشها است. چند فاکتور عمومی دیگر در عین حال در این تغییر موقعیت مقطعی جنبش توده‌های مردم برای سرنگونی مؤثرند. با از هم پاشیده شدن دوم خرداد، سطح علنی تحرک توده‌ای جامعه افت کرده است. مردم از دوم خرداد

تره‌هایی پیرامون موقعیت جدید سیاسی در ایران...

برای گسترش مبارزه علیه کلیت رژیم اسلامی استفاده می‌کردند. از طرف دیگر چشم انداز عراقیزه کردن جامعه ایران در پی خطر احتمالی حمله نظامی آمریکا و جنگ یک احتمال دهشتناک است که به درجاتی در بالای سر جامعه قرار گرفته است. رژیم اسلامی از این فضا وسیعا بهره برداری می‌کند. جنگ برای رژیم اسلامی یک مانده آسمانی و ابزاری برای عقب راندن جنبشهای اعتراضی است. مردم ظرفیتهای مخرب رژیم اسلامی و میلیتاریسم آمریکا را می‌شناسند. این چشم انداز دهشتناک، توسط نیروهای ملی - اسلامی عاملی برای فشار به جنبش سرنگونی و زمینه‌ای برای قرار گرفتن در کنار رژیم اسلامی است. از هم اکنون بخشهایی از اپوزیسیون ملی - اسلامی و بخشهایی از جنبش راست پرو غربی اعلام کرده اند که در صورت حمله نظامی در کنار رژیم اسلامی قرار خواهند گرفت. این مجموعه شرایط موجب افت موقتی در جنبش توده‌های مردم برای سرنگونی شده است. این افت هر چند که پایدار نیست اما تغییر آن منوط به تلاش آگاهانه و جدیدی توسط جنبش کمونیسم کارگری و حزب اتحاد کمونیسم کارگری است.

۶- یک رکن موقعیت سیاسی ویژه حاضر رانده شدن بخشهایی از دوم خردادپها و نیروهای ملی - اسلامی به خارج از حاکمیت و ظاهر شدن در پز "اپوزیسیون" حکومت اسلامی در دوره جدید و بعضا اظهار ندامت از سیاستهای دوره گذشته خود در دفاع از بخشی از حاکمیت رژیم اسلامی است. این نیروها پس از دبیرسیون اولیه بخود تکانی داده و مجددا بحرکت در آمده‌اند. این نیروها در خارج از حاکمیت کماکان همان اهداف گذشته خود را اما با شیوه

محافظه کار ایرانی، ناسیونالیسم قومپرست از یک طرف و ناسیونالیسم عظمت طلب از طرف دیگر در مقابل هم قرار گرفته‌اند. یک ویژگی دوران حاضر تحرک ناسیونالیسم قومپرست بود. رشد گرایش قومپرست در این اردو محصول عدم کارایی سیاستهای گرایش عظمت طلب در این جنبش است. ناسیونالیسم قومپرست یک گرایش شدیداً مخرب اما بعضاً رو به رشد در این جنبش است. بخشهای مشروطه خواه این جنبش در تلاشند تا با نزدیکی با جریانات ملی - اسلامی برای خود کارنامه داخل کشوری تهیه کنند. سناریوی تغییر اجتماعی این جریانات علاوه بر تکیه همیشگی بر قدرت نظامی و تبلیغاتی دول غربی متکی بر پیشبرد پروژه هایشان بر دوش جناح راست جنبش ملی - اسلامی است. این جریانات اگر چه جای چندانی در تحولات حاضر ایفا نمیکنند اما کم رنگ کردن نقش این جریانات در تحولات آتی جامعه یک اشتباه فاحش و غیر قابل جبران است.

۸- تحولات حاضر جنبش کمونیسم کارگری را در موقعیتی کاملاً ویژه و منحصر بفرد قرار داده است. تنها این صف خواهان یک تحول آزادیخواهانه، برابری طلبانه و تماماً رادیکال و انقلابی است. عبور از دوره کنونی در تحولات جامعه به تلاش ویژه این نیرو گره خورده است. جنبش کمونیسم کارگری نه فقط میتواند پرچمدار و سازمانده طبقه کارگر و توده‌های مردم در تحولات جاری و آتی ایران باشد، بلکه از این پتانسیل برخوردار است که اکثریت مردم را در یک انقلاب توده‌ای برای آزادی و برابری و رفاه در ایران رهبری کند. اما این جنبش در حال حاضر دچار پراکندگی و تفرقه‌سازمانی است. فاقد مرجعیت سیاسی و فکری واحد

های متفاوت و در اشکال جدیدی دنبال میکنند. این نیروها اساساً در پی اصلاح رژیم اسلامی هستند. خواهان حفظ هر چه بیشتر ارکان و شالوده‌های قدرت طبقاتی از تعرض و گزند توده‌های مردم هستند. در پی آن هستند که تا ایستگاهها و توقف‌گاههای جدیدی در سر راه اعتراض مردم سرنگونی طلب ایجاد کنند. این صفتی بی‌افق و بی‌آینده است. با سرنگونی رژیم اسلامی پرونده اش بسته خواهد شد. در شرایط کنونی دچار تجزیه شده است. با سرنگونی رژیم اسلامی کلا پرونده اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی در سیاست ایران بسته میشود و نیروهای مختلف این جنبش به محافل و گروهبندهای کم تأثیری در حاشیه جدال نیروهای اصلی راست و چپ در جامعه تبدیل میشوند. امروز بخشهای درباری این جنبش میکوشند با علم کردن رفسنجانی مجدداً جایی برای خود در حاکمیت اسلامی پیدا کنند. اما جناح راست که تاکنون پیشرویهایی را در عرصه بین‌المللی و بعضاً در عرصه تقابل با مردم از آن حاکمیت اسلامی کرده است، بسادگی سنگرهای بدست آمده را خالی نخواهد کرد.

۷- اپوزیسیون راست محافظه کار که اساساً به دور سلطنت طلبان و مشروطه خواهان گرد آمده‌اند، به سلطنت طلبان محدود نیستند. بخشهایی از جمهوریخواهان پرو غرب نیز به این اردو تعلق دارند. این جنبش عملاً دچار یک رخوت و سردرگمی جدی شده است. این جریان در این دوران افتهای بسیاری کرده است. این صف فاقد رهبری و سازمان جدی است، اگر چه دارای امکانات تبلیغاتی گسترده و ارتباطات وسیع با جامعه است. دو گرایش در صفوف جریان ناسیونالیسم

و پذیرفته شده‌ای است. کمونیسم منصور حکمت در این جنبش کمرنگ شده است. گرایشهای در حال عبور از این خط کمونیستی هستند. این جنبش کماکان از ضعف قدرت سازماندهی اجتماعی و توده‌ای و تلفیق کار علمی و مخفی و همچنین سازماندهی مبارزه علمی در شرایط کنونی در جامعه رنج میبرد. عدم برسمیت شناسایی ضعفهای این جنبش از جانب بخشهای تحزب یافته این جنبش خود یک معضل دیگر موجود در این جنبش است. در چنین شرایطی دو گرایش این جنبش را تهدید میکند. گرایش "شکست طلبانه" و گرایش "اوانتوریستی" سیاستهای هستند که میتوانند این جنبش را از مسیر خود دور کنند. برای فائق آمدن بر شرایط کنونی و تامین شرایط پیشروی باید به سه مساله اساسی در این جنبش پاسخ داد. کمونیسم کارگری در ایران تنها با کمونیسم منصور حکمت پیروز میشود. کمونیسم کارگری باید به نیرویی سازمانده و رهبر در تحولات حاضر تبدیل شود. کمونیسم کارگری باید به انسجام و عیار سیاسی و هماهنگی مبارزاتی بالاتری دست پیدا کند. ما یکبار دیگر تاکید میکنیم که "پیروزی کمونیسم کارگری و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته‌اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعینانه و قابل تحقق بنگرند." تامین این ملزومات و فائق آمدن بر ضعفهای کنونی وظیفه حیاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری و کل کادرهای این جنبش است. کمونیسم کارگری باید به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم بدل شود.*

کارگران میهن ندارند. ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم کارگری در تضادی آشکار و مطلق با هم قرار دارند، غیر قابل تلفیق و سازش با یکدیگرند. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی بورژوایی است که مانع خودآگاهی طبقاتی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر است.

Canadian poet, playwright, activist, journalist and editor-in-chief of the award winning Shahrvand newspaper

انجمن تفکر آزاد مسی ساگا برگزار میکند؛

مذهب و آزادی فردی

انجمن تفکر آزاد مسی ساگا Mississauga Freethought Association ایالت انتاریو پانل بحث و جدلی را فراخوان داده است با عنوان "مذهب و آزادی فردی". در این پانل سخنرانان زیر شرکت خواهند داشت:

Dr. Christopher diCarlo فیلسوف در علوم انستیتو تکنولوژی انتاریو و نویسنده
El-Farouk Khaki فعال حقوق بشر و پناهندگی و از فعالین اصلاح مذهبی در اسلام و اولین زن امام جماعت
هما ارجمند عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری و از فعالین کمیی علیه مدارس مذهبی
Lucy Reid عضو تیم منبع چند مذهبی دانشگاه گولف کانادا و کشیس انجلیکا

این برنامه در تاریخ ۱۸ سپتامبر در محل دانشگاه تورنتو شعبه مسی ساگا، ساختمان CCT، اتاق CC1080 ساعت ۷ بعد از ظهر برگزار میشود و برای عموم آزاد است.

Religion and Personal Freedom

Discourse on Religion and Personal Freedom:

The Panel on Religion and Personal Freedom hosted by the Mississauga Freethought Association will take place Tuesday, September 18th at 7pm in room CC1080 in the CCT Building of UTM.

است.

تاریخ برگزاری این جلسه ۳۱ اوت ساعت ۷ بعد از ظهر در محل این مرکز میباشد.

آدرس:

216 BEVERLEY ST (major intersection : St. George St. and College St. - south of College, between Spadina and University) TORONTO ON, (416) 971-5676

Executive Director - Justin Trottier
l:jtrottier@centerforinquiry.net cell: 416-402-8856

Iran: Prospects for a Secular Democracy?

Starts: Friday, August 31st at 7:00 pm

Location : Centre for Inquiry Ontario

Dr. Houchang Hassan-Yari Ph.D. Dr. Hassan-Yari is Professor and Head of the Department of Politics and Economics at the Royal Military College of Canada specializing in international relations in the greater Middle East. He has written numerous publications on Iran.

Homa Arjomand. An Iranian Canadian activist, Homa is a leader in the exiled Worker Communism Unity Party of Iran in Canada. She was a key figure in the International Campaign against Sharia law in Ontario.

Hassan Zerehi B.A. Mr. Zerehi is an Iranian-

گزارشاتی از ایران تهدید اعدام، اعتصاب غذا، خودکشی

سندج

دادستانی شهر سندج حکم اعدام یک نوجوان 17 ساله صادر کرد. شهرام بازدار نوجوانی که چندین ماه است در زندان مرکزی شهر سندج زندانی است، دیروز به وی حکم صادره توسط دادگستری را اعلام نمودند. در مورد دلیل دستگیری خبر دقیقی در دست نیست.

نادر محمدی، کیومرث محمدی، مصلح زمانی، شهرام بازدار، لیستی از اعدامیان هستند که رژیم به خانوادهها و همچنین خود زندانیان دربند حکم اعدامشان را ابلاغ کرده است.

نقده

زندانیان سیاسی برای پاسخ دادن به تعرضات رژیم و نقض ابتدائی ترین حقوق خود دست به اعتصاب غذا می زنند. عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار در زندان مرکزی سندج بیش از 40 روز است در اعتصاب غذا بسر می برند. زندانی سیاسی دیگری در شهر نقده لبهای خود را دوخته است. بایزید حیدری 7 ماه پیش به اتهام همکاری با اپوزیسیون رژیم

سقز

غفور افروزی معلم اخراجی در شهر سقز در سن 65 سالگی با ریختن نفت بر تن خود دست به خودکشی زد. غفور افروزی با خودسوزی به زندگی خود پایان داد. اخراجها، تبعیدها، محرومیت اجتماعی و ضرب شتم معلمان در سطح کشور ادامه دارد و غفور یکی از قربانیان این تعرض آشکار رژیم جمهوری اسلامی به اعتراضات معلمان در ایران است.*

اطلاعیه

سخنرانی هما ارجمند در تورنتو، کانادا

توسط مرکز تحقیق انتاریو Centre for Inquiry Ontario سلسله جلسات سخنرانی ترتیب داده شده است که اساساً بررسی جنبشهای ضد دینی و سکولار در سطح کانادا و دنیا را در دستور خود دارد. این مرکز نهادی است آنتست و هیومنیست که در کمپین "یک سیستم آموزشی واحد" نیز وسیعاً درگیر میباشد.

این مرکز جلسه ای ماه اوت خود را به "چشم انداز دموکراسی سکولار در ایران" اختصاص داده است و در این رابطه از هما ارجمند، عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد کمونیسم کارگری، مسئول کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا و از فعال کمپین علیه مدارس مذهبی و دکتر هوشنگ حسن یاری پرفسور و رئیس بخش سیات و اقتصاد کالج رویال میلیتاری کانادا و همچنین حسن زرهی سردبیر نشریه هفتگی شهروند بعنوان سخنرانان دعوت بعمل آورده است. این جلسه برای عموم آزاد

جنبش ایدئولوژیک نئوکنسرواتیسم در بحران

خسرو دانش

فوکویاما تئوریسین نئومحافظه کار بورژوازی امریکا اخیرا در کتابی تحت عنوان "امریکا بر سر تقاطع دموکراسی، قدرت و میراث جریان نو محافظه کاری در امریکا" ترجمه‌ی مجتبی امیری وحید به مسائل مهمی اشاره کرده است. اما من از میان همه‌ی این مسائل مهمترین آنرا برگزیده‌ام تا چند سطری در مورد نتایج این تزا بنویسم و آنها را تحلیل کنم.

فوکویاما مطرح میکند که اسلام سیاسی نه نتیجه‌ی سنت و اسلام بومیست، بلکه پدیده‌ی نوینی است که نتیجه‌ی سرمایه‌داری معاصر و نظم نوین جهانیست (و این دقیقا همان چیزی است که منصور حکمت گفته بود). وی ابراز میکند که اسلام سیاسی حاکم در منطقه‌ی خاورمیانه برای دولتهای غربی عمدتا آنچنان خطرناک نیست، بلکه نسل دوم و سوم از مهاجرین اسلامی ساکن و مقیم کشورهای غربی بیشتر برای غرب خطر دارد و در اولویت سیاستهای پیشگیرانه‌ی این کشورهاست. فوکویاما مطرح میکند که مهاجرین اسلامی جهانسومی در حاشیه‌ی این کشورها در تقابل با جامعه‌ی صنعتی و دموکراسی غربی نسل دوم و سوم را به ثمر دانند که عمدتا دارد رادیکالیسم و تروریسم اسلامی را نمایندگی میکند و بدک میکند. فوکویاما اسلام سیاسی حاکم در خاورمیانه و کشورهای آسیایی و آفریقایی را بعنوان خطری نام میبرد که عمدتا از طریق یک جنگ و حمله‌ی کلاسیک جغرافیایی میتواند برای امریکا خطر ساز باشد که دولتهای غربی بالاخره میتوانند آنرا کنترل کرده و با آن به همزیستی برسند و در نهایت یک سیاست پیش‌دستانه در مقابل خطر آن بکار گیرند. اما خطر تروریسم و بنیادگرایی اسلامی در حاشیه‌ی شهرهای کشورهای غربی زاییده‌ی جامعه‌ی غربیست که میتواند با بکارگیری سلاحهای هسته‌ای و میکروبی و سلاحهای کشتار جمعی

بورژوازی غربی در کشورهای توسعه نیافته یکی از این هزینه‌های اصلی بود که وجود شوری به بورژوازی تحمیل میکرد، وگرنه بدون وجود کمونیسم اردوگاهی، سرمایه‌داری غربی طبق روال و روند مورد نظر مارکس به قطب بندی طبقاتی هر چه حادتر میرسید. در مورد سرمایه‌داری حذف هزینه گذاشتن در کشورهای توسعه نیافته و فاقد نیروهای سرمایه‌ی مادی و انسانی مناسب (مثل افغانستان)، روند انباشت سرمایه را در عرصه‌ی جهانی بطور عرضی آنچنان زود میبیمود که ناچار میشد سیاست قرون وسطایی نظم نوین جهانی را بسیار زودتر از اینها در جهان جاری و حاکم کند. و اکنون با رهایی از دردسر کمونیسم کاذب، لگام مذهب سیاسی را آنچنان شل و آزاد کرده است که درجه‌ی و میزان آنرا نمیشود تخمین زد. شکست اقتصاد نئولیبرالی در پروسه‌ی مدت کمتر از یک دهه و تبدیل بیکاری به یک پدیده‌ی ساختاری سرمایه‌داری و حذف چرخه‌های اقتصادی و دوره‌های رونق و رکود اقتصادی ما را با یک سرمایه‌داری همیشه در حال بحران اقتصادی روبرو کرده است که بکارگیری و اعمال سیاست برای بیشتر از اقتصاد اهمیت پیدا کرده است و این حاکی از پایان حیات سرمایه‌داری و شروع حیات کمونیسم است که گرفتار سیاست ارتجاعی سرمایه‌داری شده است.

سرمایه‌داری آنچنان به ارتجاع سیاسی گرویده است که مطالبات جنبش فمینیسم غربی و بویژه امریکایی را نمیتواند پاسخگو باشد. اخیرا، که اگر درست یادم مانده باشد، جنبش فمینیستی ایالت‌های امریکایی مطرح کرده‌اند که استفاده‌ی از تن برهنه‌ی زن در تبلیغات تجاری و بازرگانی یک رویکرد کالایی به زن است و این سوء استفاده‌ی غیر انسانی از زیباییهای جنس زن است و

با این رویکرد شرکتهای تجاری و بازرگانی باید مبارزه شود. اگر درست گفته باشم دیگر سرمایه‌داری معاصر قادر نیست جنبشهای مدرن را بزیر پرچم خود جذب کند و این جنبشهای مدرن هرچه بیشتر مطالبات چپ و رادیکالتری را مطرح میکنند و در آینده‌ی نه چندان دور بزیر پرچم کمونیسم خواهند رفت.

انقلاب اقتصادی ریگان و تاجر و نئوکنسرواتیستها بر محور "زنده باد سود!" آنچنان زود شکست خورد که بزودی محتوای ضد کمونیستی این جنبشها افشاء شد. طبق نوشته‌ی فوکویاما ریشه‌ی جنبش نئومحافظه کاران امریکا به جنبشهای ضد استالینی در نیمه‌ی اول قرن بیستم برمیگردد که اصولا در تقابل با کمونیسم بوجود آمد و یک جنبش ایدئولوژیک و نفرت زای ضد استالینی بود که بعدا با ادیتهای جنبش فاشیستی هیتلر به امریکا مهاجرت کرد. بهمین خاطر بود که بعد از فروپاشی کمونیسم اردوگاهی

نئوکنسرواتیسم اینقدر هیاهو علیه کمونیسم در دنیا برپا کرد و هم اکنون تئوریسین "پایان تاریخ و انسان و کمونیسم" در آخرین کتابش توبه‌نامه‌ی خودش را علیه سیاستهای شکست خورده‌ی نئوکنسرواتیستها، نظم نوین جهانی دولت بوش نوشته است و خود را طرفدار دموکراسی نهادی جا زده و دیگر جنگ را باعث آوردن دموکراسی در منطقه‌ی خاورمیانه ارزیابی نمیکند و طرفدار دموکراسی و سیاست اقتصاد "توسعه" نهادی (یعنی نهادهای دموکراتیک و قانونی سرمایه‌داری) شده است. در صورتیکه نمیدانند سرمایه‌داری در کشورهای جهانسومی مثل عراق نمیتواند دموکراسی نهادینه شده را با خود به ارمغان بیاورد. همان شخصی که تغییر رژیمها از بالا را باعث تحقق دموکراسی در اکناف جهان میدانست و مشوق اولین سیاستهای جنگ طلبانه‌ی بوش بود. غسل توبه متفکرین بورژوا شروع شده است. جنبش ایدئولوژیک

نئوکنسرواتیستی ضد کمونیستی به اوج بحران خود رسیده است.*

جهان را در آستانه‌ی نابودی قرار دهد و اصولا جهادگرایی اسلامی نسل دوم و سوم مهاجرین دارای پتانسیل نابودی انسانی بیشتریست. این نوع اسلام سیاسی و ایدئولوژیک وسیله‌ی ایست که سرمایه‌داری غربی میخواهد با بهانه قرار دادن آن حقوق مدنی و شهروندی ساکنین بومی غربی را محدود کرده و عملا دموکراسی غربی در کشورهای غربی را به یک دموکراسی غیر مدنی تبدیل کند. بورژوازی غربی معاصر دیگر آنچنان از حتی سایه‌ی کمونیسم ترسیده است که دیگر نمیخواهد لحظه‌ای از کارایی عنصر مذهب غافل بماند. هدفش در ضمن اینکه ایجاد دموکراسی تبعیض و راسیسم در کشورهای غربی است، از طرف دیگر میخواهد شهروندان بومی غربی را درگیر یک ارتجاع تروریسم اسلامی جهادگرا کند و سپس به بهانه‌ی مقابله با آن آزادیهای مدنی و فردی شهروندان بومی خود را محدود کند. این ادامه‌ی سیاست قرون وسطایی دولتهای غربی بعد از جهان سوم در کشورهای غربی است. در ایندوره‌ی سیاست میلیناریستی و قرون وسطایی اقتصاد را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد و طبق اعتراف فوکویوما اقتصاد اصلا در برنامه‌ی نئومحافظه کاران نقش خیلی کم رنگی دارد و اصولا نئوکنسرواتیسم یک جنبش ضد کمونیستی و ضد دولتگرایی چپ اردوگاهی است و یک جنبش ایدئولوژیک سرمایه‌داری.

همه‌ی این مسائل حاکی از این است که همان کمونیسم بورژوایی اردوگاهی در نبود کمونیسم کارگری و مارکسی نعمت بزرگی برای طبقه‌ی کارگر جهانی بویژه غربی بود که برای سرمایه‌داری غرب مشکلات و هزینه‌های زیادی را میتراشید و باعث بالا رفتن دستمزدها در سطح جهان بویژه طبقه‌ی کارگر غرب میشد. سیاستها و مدلتهای توسعه‌ی

حمله نظامی رژیم اسلامی به مناطق مسکونی کردستان عراق محکوم است!

بنا به اخبار منتشر شده، سپاه پاسداران رژیم اسلامی در روز دوشنبه ۲۷ اوت اقدام به بمباران روستاهای سورگه له، شناوه، برده قیسی، ماره دو و نوری در شهرستان پشدر کرده است. بهانه رژیم اسلامی در بمباران این مناطق حضور نیروهای جریان قوم پرست پژاک (نسخه ایرانی پ کا کا) است. این حملات وحشیانه زندگی مردم محروم این مناطق را تروریزه کرده، بطوریکه ساکنین این مناطق ناچار به ترک خانه و زندگی و محل کار خود شده اند. حملات نظامی جمهوری اسلامی مورد حمایت دولت ارتجاعی ترکیه قرار گرفته و واکنش و اعتراض متقابل دولت نوری مالکی را موجب شده است.

تردید نیست که این اقدام نظامی جمهوری اسلامی و حمایت ترکیه علاوه بر منافع ارتجاعی هر کدام از این دو دولت هدفش تاثیر گذاری و دخالتگری در اوضاع سیاسی آتی و سرنوشت این منطقه بحرانی است. دعوا بر سر تعیین تکلیف کرکوک، که اکنون موضوع فراندنم توسط دولت عراق است، و همچنین آینده کردستان در عراق یکی از این مسائل گری در این منطقه است. حمله نظامی به کردستان عراق توسط جمهوری اسلامی و موضع حمایتی دولت ترکیه، حاکی از تشدید جدال بر سر سنوالات لاینحل و کشمکشهای منطقه ای و جنگ منافع دولتهای مرتجع و نیروهای دست راستی و ضد جامعه در این منطقه است. این رویدادها دورنمای گسترش میلیتاریزه کردن منطقه و ابعاد بحران در کل عراق و منطقه را ترسیم میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری این دورنمای ارتجاعی و سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و دولتهای مرتجع منطقه را قویا محکوم میکند. وضعیت اخیر در منطقه کردستان عراق درست مانند وضعیت سالهای اخیر در کل عراق، محصول سیاستهای نظم نوینی آمریکا و تخاصم و کشمکش جریانات و نیروهای ارتجاعی و تروریست در منطقه است. محصول این سیاست ها نابودی شیرازه جامعه عراق، گسترش اختناق سیاسی، اعدامها و کشتارهای ضد انسانی، آوارگی، ایجاد زمین حاصلخیزی برای رشد ارتجاع اسلام سیاسی و قومپرستی و همچنین فعال مایشایی میلیتاریسم آمریکا در منطقه است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمباران خانه و کاشانه مردم و تروریزه کردن زندگی آنان توسط رژیم اوباش اسلامی را قویا محکوم میکند. بهانه جمهوری اسلامی و دولتهای ترکیه و موضع مخالف دولت عراق و نیروهای مرتجع و دست راستی قوم پرست هر چه باشد، این مردم غیر نظامی و بیگناه کردستان عراق هستند که در این میان قربانی میشوند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در کردستان را به هوشیاری سیاسی در قبال این اوضاع و پیامدهای خونبار آن جلب میکند. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران و بویژه در کردستان، باید ضمن پیشبرد مبارزه مستقل و آزادیخواهانه خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی جامعه ای آزاد و برابر و انسانی، تهاجم نظامی نیروهای جمهوری اسلامی به مردم محروم و غیر نظامی را قویا محکوم کنند. متوقف کردن حمله نظامی جمهوری اسلامی و شکست سیاستهای ارتجاعی دولتها و نیروهای دست راستی در منطقه، تنها با گسترش مبارزه آزادیخواهانه و سوسیالیستی در ایران و منطقه ممکن است.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۷ اوت ۲۰۰۷

تهدید به اعتصاب کارگران هفت تپه موفقیت آمیز بود!



این گوشه ای از قدرت کارگری است!

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه خوزستان در ادامه اعتراض به عدم دریافت حقوقهای معوقه و دیگر خواسته هایشان، ضمن دادن نامه به رئیس سازمان بین المللی کار (ای ال او)، اعلام کرده بودند که اگر مسئولین شرکت به خواسته های شان پاسخ مثبت ندهند روز پنجم شهریور دست به اعتصاب خواهند زد. تهدید کارگران سریعا با واکنش مدیریت و وزارت کشاورزی مواجه شد و نه تنها حقوقهای معوقه پرداخت شد، بجز حقوق ماه مرداد، بلکه و عده داده شد که دیگر خواستههای کارگران را نیز تامین کنند.

از ابتدای سال در این شرکت و واحدهای تابعه حدود ۱۵ اعتصاب و تحصن جهت تحقق خواستههای متفاوت در بخشهای مختلف صورت گرفته که هر بار با وعده مسئولین بی نتیجه پایان یافت. اما این بار وحشت مدیریت و مقامات دولتی از گسترش اعتصاب و سرایت اعتراض به سطح استان، و وحدت و یکپارچگی کارگران باعث شد که سریعا به خواسته های کارگران تمکین کنند. مدیریت و مسئولین استان وزارت کشاورزی از مدتها پیش تلاشهای وسیعی بخرج میدهند که ۲۰۰۰ کارگر این شرکت را اخراج سازند. عدم پرداخت حقوق، یکی از ابزارهای اعمال فشار آنان به کارگران جهت ترک این شرکت میباشد. در عین حال بخاطر ترس از تاثیر سریع و گسترده اعتراضات کارگری به کل استان همیشه جانب احتیاط را از دست نداده و با وعده و وعید و این بار با تن دادن به خواستههای کارگران تلاش میکنند مانع اوج گیری اعتراضات گردند.

موفقیت و پیروزی اخیر کارگران نیشکر هفت تپه نشان از دامنه همبستگی و وحدت در صفوف کارگران و درجاتی بالایی از سازمان یابی و نقشه مند بودن حرکت آنان داشته است. اینها بزرگترین سلاحهای کارگران در هر اعتراض و یا در هر جدال جدی با سرمایه داران و نهادهای آنان میباشد.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری! زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری! مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

28 اوت 2007 - 6 شهریور 1386

نامه ها

سیاوش دانشور

با سلام

جناب آقای جوادی من یک جوان 25 ساله هستم. من در مورد تاریخ انقلاب ایران در حال مطالعه هستم. تا آنجا که من مدارک و شواهد موجود در مورد انقلاب ایران برسی کرده ام انقلاب ایران در زمره انقلاب چپ تعریف می شود... میخوام نظر شما را در این مورد جويا شوم. اگر لطف کنید جواب من را به صورت مشروح بیان کنید سوالات زیاد دیگری را هم دارم که از شما خواهم پرسید. با تشکر، پرتو

پرتو عزیز،

توصیه میکنم مطلب ارزشمند "تاریخ شکست نخوردگان، چند کلمه به یاد انقلاب 57" از منصور حکمت را بخوانید. این مطلب و مند و روش بررسی آن، کمک بسیاری به شما در جهت مطالعاتتان در زمینه انقلاب 57 میکند. منتظر سوالات دیگر شما هستیم. موفق و پیروز باشید.

چند سوال، با تشکر، عظیم

1- با توجه به اینکه در یک نظام کمونیستی پیشرفت از لحاظ مالی محدود می شود چه تضمینی وجود دارد که با پدیده فرار مغز ها رو به رو نشویم؟

عظیم عزیز،

با تشکر از شما. من این فرض شما مبنی بر اینکه "در یک نظام کمونیستی پیشرفت از لحاظ مالی محدود می شود"، بر چه اساسی استوار است را درک نمیکنم. با این فرض معضل "فرار مغزها" مطرح شده است. یک نظام کمونیستی که در وجه اقتصادی آن، اساسا تولید ثروت و مایحتاج انسانی را از قید بازار و مالکیت خصوصی رها کرده است، منطقا

و اثباتا جامعه ای ثروتمند و مرفه و با قدرت "مالی" بالا است. منظور شما اینجا از "مالی" احتمالا میزان ثروت و داراییهای هر فرد یا امکانات "مغزها" است. ثروت تولید شده در جامعه امروز که از جمله خود را در انبوه کالاها نشان میدهد، و حق استفاده از آنها به داشتن کوپن خاصی به نام پول موکول و مشروط شده است، در جامعه کمونیستی با فرض ثابت گرفتن همین توان تولیدی در اختیار کل جامعه است. تا اینجا توان مالی و اقتصادی کل جامعه، با فرض نوساناتی که در دوره انقلابی اجتناب ناپذیر است، تغییر نمیکند. تغییر بزرگی که رخ داده است اینست که بخش عظیمی از تولید کنندگان ثروت قادر شده اند که از محصول کار و ثروت اجتماعی بازم با فرض ثابت بودن کل آن استفاده کنند. اما جامعه کمونیستی و سازمان اقتصاد سوسیالیستی، با الغای روابط حاکم به شیوه تولید سرمایه داری، تولید را از اولیتهای بازار و سود و رقابت سرمایه ها و منافع اقتصادی و سیاسی اقلیتی سرمایه دار و قدرت و امتیازات طبقاتی بورژواها خارج میکند و براساس اولولیت های انسانی و رفع نیاز همگانی متکی میکند. هر کسی براساس توان و استعداد خود، که همین جنبه در یک جامعه آزاد بسرعت تغییر میکند و شکوفا میشود، در فعالیت و تولید اجتماعی شرکت میکند و بنا به نیاز خود از ثروت و امکانات مقدور و ممکن کل جامعه بهره مند میشود. جامعه ای که اساس آن ایجاد شرایط برابر برای ارتقا و رشد و رفاه مادی و معنوی همگان و استفاده از نیروی عظیم انسانی، امکانات و دانش و تکنولوژی است، به سرعت مسیر وفور را طی میکند. بالا رفتن سطح زندگی و توقع شهروندان و به همین اعتبار پیشرفت سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی کل جامعه از اولین محصولات جامعه کمونیستی است. در چنین جامعه ای مغزها نیاز به فرار ندارند. مگر اینکه بکار انداختن این توان فکری خود را منوط به کسب امتیازات ویژه کنند. در این مورد فقط همین را اشاره میکنم که یک حکومت کارگری میتواند در شرایط نیاز جامعه و برای پشت

2- فرق حزب شما با بقیه احزاب کمونیستی چیست؟ در راه مبارزه فرق دارید یا هدف مبارزه؟ چه طور می توان با آنها رابطه برقرار کرد منظورم فقط سایت نیست برای مثال چه طور می شود از زمان سخن رانی هایشان آگاه شد؟

فرق ما با جریانات و محافل باقیمانده و انشفاقات حزب توده و جبهه ملی، که بنام چپ و احزاب و سازمانهای کمونیستی معرفی شدند، در تعلق طبقاتی متفاوتان به دو سنت اجتماعی و طبقاتی است. ما این جریانات را علیرغم اینکه در مواردی از همدیگر هم کشته اند، سایه روشنهای جنبش واحد ملی اسلامی میدانیم. آرمان اجتماعی و نقد و ارزشها و فرهنگ و تاریخ و نوع اعتراض و روشهای این جریانات کمابیش مشترک است که مجموعا و

بزیانهای مختلف اصلاحاتی را در همین وضعیت موجود میخوانند. کمونیسم ملی و خلقی و جهان سومی و مائویستی و چریکی و اردوگاهی ایران شاخه چپ همین جنبش ملی اسلامی است. تفاوت ما تعلق به جنبشی متمایز، جنبش کارگری و کمونیستی است که سوسیالیسم را هدف فوری خود قرار داده است. جنبش ما جنبش تغییر جهان و نقد مارکسیستی سرمایه است. تفاوت ما با دیگر احزاب کمونیست کارگری در نقد ما به بقایای چپ رادیکال و سنتی در سیاستها و تاکتیکهای این احزاب است که خود را در سطوح مختلفی بروز میدهد که در مباحثمان بخشا به آن پرداخته ایم. در عین حال تاکید ما اینست که احزاب کمونیست کارگری موجود، و تا امروز، که جملگی پایبندیشان را به برنامه یک دنیای بهتر اعلام کردند، احزاب یک سنت سیاسی واحد اند. یک وجه تمایز مهم ما با این احزاب تلاش برای متحد کردن کل جنبش کمونیسم کارگری حول برنامه و کمونیسم مارکس و منصور حکمت و پاسخ به درهم ریختگی و تضعیف توان تشکیلاتی کل جنبش کمونیسم کارگری در مواجهه با اوضاع پیش رو است. در این زمینه هم مباحث کتبی و شفاهی متعددی تاکنون مطرح کردیم که در سایت و نشریه حزب منتشر شدند. برای ارتباط با این احزاب از امکانات و نزدیکان و فعالین به این احزاب و یا تماس مستقیم از طریق روشهای اعلام شده آنان اقدام کنید. سایتهای احزاب امروز مستقیم ترین راه برای مطلع شدن از فعالیتهای عمومی و علنی آنها و از جمله سخنرانیهاست.

3- آیا شما با مبارزه مسلحانه در صورت لزوم موافقت میکنید؟ احزاب دو قلوبیتان چه طور؟ مبارزه مسلحانه برای کمونیسم و مارکسیسم یک اصل پایه ای نیست. در تئوری کمونیسم استفاده از قهر و اسلحه در مقابله طبقه کارگر و جنبش اجتماعی اش با سرمایه داری بعنوان یک اصل مطرح نشده است. اسلحه فاکتوری است که مستقل از ما و توسط طبقات حاکم

نامه ها...

وجود دارد.

با دروهای انقلابی

موضوع: فراخوان به جوانان و هواداران حزب اتحاد کمونیسم کارگری در ایران و خارج.

... ما جوانان حزب در تهران لزوم وجود یک رهبر مردمی و محبوب را برای هدایت فعالیتهای سرتاسری از هر زمانی احساس میکنیم. و در همین راستا علی جوادی را بهترین گزینه بر میشماریم. بدین منظور قصد داریم که در صورت موافقت حزب یک رفراندوم مبنی بر نامیدن شدن ایشان به نام رهبر جوادی بر پا کنیم که تمام موافقان و مخالفان این مطلب رای بدهند و نشریه حزب را بهترین فضا برای درج این مطلب میدانیم. خواهشمند است در صورت تمایل نظر خود را اعلان کرده و درستی یا نادرستی این تصمیم را به ما اعلام نمایید.

با احترام، مسئول بخش اخبار و فعالیتهای مبارزاتی جوانان حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تهران. رامین تیر انداز

رامین عزیز

شما به مبحث حساس و مهمی در پیشروی کمونیسم کارگری در پس تحولات حاضر اشاره کرده اید. ما هم فکر میکنیم که تامین رهبری و قرار گرفتن صفی از رهبران کمونیست در موقعیت رهبران جنبش های اعتراضی کارگر و جوانان و زنان یک نیاز حیاتی تحولات آتی جامعه و شرط پیروزی کمونیسم و کارگر در ایران است. شخصا از اینکه من را در چنین جایگاهی می بینید، به خود و جنبش مان افتخار میکنم.

ما بدون تردید به صفی از رهبران کمونیست اعتراضات سراسری جامعه نیازمندیم. رهبرانی که نه فقط رهبر سازمان و حزب خود هستند، بلکه علاوه بر این در مقام رهبر جامعه و در مقام رهبر تحول آزادخواهانه و رادیکال و سوسیالیستی در جامعه ظاهر میشوند و جامعه آنها را به این عنوان میشناسد و قبول میکند. رهبرانی با اتوریته که در جامعه

شناخته شده اند و کلام و نفوذشان تأثیر گذار در تحولات حساس جامعه است. رهبر کمونیسم کارگری باید در عین حال رهبر جامعه باشد و اگر نیست باید بشود. همانگونه که بورژوازی و سایر جنبشهای اجتماعی غیر کارگری میکوشند تا صفی از چهره ها و رهبران خود را در مقام رهبران آتی جامعه به مردم معرفی کنند، کمونیسم کارگری هم نباید از این مساله غافل شود. جامعه باید در وجود چهره ها و رهبران شناخته شده کمونیسم جوانی از آینده نظام سیاسی و چهره های برجسته آن را مشاهده کند.

رفقای عزیز ما هم مانند شما به این ضرورت واقفیم و بر آن تاکید داریم. یکی از مباحث پایه ای فراکسیون "اتحاد کمونیسم کارگری" در حزب کمونیست کارگری تاکید بر همین مساله حیاتی بود. تنها "کمونیستهایی" که خود را می بینند اما جامعه و نیازهایش را نمی بینند از پاسخگویی به این ضرورت حیاتی تحولات سیاسی جامعه طفره میروند. کسانی که به زندگی سیاسی در "حاشیه" جامعه دل خوشند و به آن عادت کرده اند.

اما سئوالی که باید به طور واقعی به آن پرداخت این است که تامین این شرایط محصول کدام شرایط و تغییر تحول سیاسی در جامعه است. آیا با "رفراندوم" و یا با "در بوق و کرنا" کردن و "عکس بالا بردن" میتوان چهره های کمونیست را در چنین شرایطی قرار داد؟ به نظر من نه! قرار گرفتن کمونیستها در مقام رهبران جامعه و رهبر تحول رادیکال و آزادیخواهانه محصول چرخش فکری و سیاسی جامعه به چپ و تامین هژمونی کمونیسم و چپ در تحولات و مبارزات اصلی جامعه است. تنها زمانیکه مردم به چپ و کمونیسم برای خلاصی از شر وضعیت موجود روی آورده باشند، زمانیکه افق و

آلترناتیو چپ در جامعه مورد قبول بخش موثر و پر سر و صدا و دخیل در تحولات جامعه تبدیل شده باشد، میتوان از هژمونی سیاسی کمونیسم و چپ و نتیجتاً از قرار گرفتن رهبران کمونیست در مقام رهبران واقعی آلترناتیو جامعه صحبت کرد. تنها زمانیکه کمونیستها در راس بخش قابل ملاحظه ای از اعتراضات جامعه قرار گرفته شده باشند، میتوان از هژمونی چپ در جامعه صحبت کرد.

ما نه کمونیستهای خجولیم و نه از بار مسئولیتهای بزرگ شانه خالی میکنیم. محدودیتهای و همچنین ملزومات تحقق چنین شرایطی را میشناسیم. ما عمیقاً معتقدیم که کمونیستها باید در قامت رهبران سرشناس و شناخته شده جامعه ظاهر شوند. ما در این مسیر تا حدودی پیش رفته ایم و خوشبختانه در نقطه صفر قرار نداریم. کمونیسم کارگری امروز دارای چهره ها و عناصری است که محبوب و مورد اعتماد مردم و جامعه هستند. در هیچ زمانی تا کنون چهره ها و شخصیتهای کمونیسم رادیکال دارای چنین موقعیتی نبوده اند. از این رو یک هدف ما قرار دادن رهبران و چهره های سرشناس حزب اتحاد کمونیسم کارگری در چنین ظرفیت و موقعیتی است. اما حلقه گری که اکنون باید در دست گرفت تبدیل حزب اتحاد کمونیسم کارگری و به تبع آن کل جنبش کمونیسم کارگری به حزب و نیروی "رهبر - سازمانده" است. حزب ما باید بتواند به حزب سازمانده اعتراضات کارگری و اجتماعی تبدیل شود. حزب ما باید بتواند اعتماد خدشه دار شده به کمونیسم کارگری را دوباره به این جنبش برگرداند. حزب ما باید بتواند سرعت در راس اعتراضات کارگری و اجتماعی قرار گیرد. دستیابی به چنین شرایطی مستلزم قرار گرفتن در یک ارتباط فشرده با رهبران عملی سوسیالیستی طبقه کارگر و جامعه است. ما در این راه گامهای بلندی باید برداریم. رامین دستت را میفشارم و برایتان آرزوی موفقیت میکنم.*

علی جوادی

ستون آخر ...

که منصور حکمت زنده بود جرئت نمیکردند نظریه های منصور حکمت را نقد کنند. به جناح "کارگر، کارگری ها" پیوستند. در نشریه شان یک کلمه از حکومت کارگری و سوسیالیسم و سرنگونی جمهوری اسلامی گفته نمیشود. با انجمن های اسلامی سرشاخ میشوند. یک رفرمیسم ناب و کلاسیک. این تمام "مارکسیسم" این رفقای سابق است.

پیش خودم فکر کردم که چه شده رضا مقدم سکوت کبیر 9 ساله اش را شکسته است؟ اغتشاش و پراکندگی حاکم بر جنبش کمونیست کارگری تنها دلیلی بود که به ذهنم خطور کرد. وجود اختلافات درون جنبش کمونیسم کارگری، سردرآوردن تئوری های ناب و نوآوری های تئوریک رهبری دو حزب کمونیست کارگری و حکمتیست زمینه را برای درافشانی های ایشان نیز آماده کرده است. سنگ مفت و گنجشک مفت! میدانند که شکست دادن کمونیسم کارگری کار ساده ای نیست. مکان و نقش منصور حکمت را میشناسند. روی آوری جوانان به منصور حکمت را دیده اند. پس تصمیم گرفته اند حالا که اوضاع مغشوش است منصور حکمت را نقد کنند. خارج از متن و با نقل به معنی های من درآوردی منصور حکمت را به زمین بزنند. گویی دارند با اشباح میجنگند. ایشان نمیدانند که کمونیسم کارگری پیش از هر چیز یک جنبش زنده است. هر روز بازتولید میشود. شکست های مقطعی میتوان به آن تحمیل کرد ولی از میانش نمیتوان برد. منصور حکمت خصوصیات این جنبش و راه و استراتژی پیروزی آن را تبیین کرد. یکی از تلاش های دائمی کمونیسم کارگری نقد جریانات رفرمیست درون جنبش کارگری است. یک دلیل دیگر

خصوصیت رضا مقدم و رفیق دبیرنه اش ایرج آذرین هم در همینجا است. اتفاقا ایرج آذرین هم با استم مستعار جدیدی هجونهایی در مورد کمونیسم کارگری و منصور حکمت نوشته است. به آن هجو نامه ها نباید با پاسخ جدی اعتبار بخشید. فقط برای یادآوری تاریخ به جوانان باید نوشته های ایشان و پاسخ منصور حکمت را بازچاپ کرد. اما این باصطلاح نقد رضا مقدم را باید در فرصتی دیگر پاسخی درخور داد.

فقط به یک نکته باید اشاره کرد. ایشان با چنان شادی و سرمستی از عدم سرنگونی جمهوری اسلامی حرف میزند که واقعا شوک آور است. باور نمیکنید؟ بروید مطلب ایشان را بخوانید. ظاهرا ضدیت با منصور حکمت آن چنان عمیق است که به قصد واهی بخاک مالیدن دماغ کمونیسم کارگری و منصور حکمت عدم سرنگونی جمهوری اسلامی را با شادی به رخ میکشد. میگوید، اینها میگفتند جمهوری اسلامی سرنگون میشود! دیدید نشد.

بنظرم کمونیست کارگری ها باید این نوشته را بخوانند. این شبه نقد انعکاس وضعیت جنبش کمونیسم کارگری است. این مساله که کسی که 8 سال پیش با سراب جامعه مدنی رفت و زندگی را صرف جنگ با انجمن اسلامی کرده، بخود اجازه میدهد حق بجانب بن بست کمونیسم کارگری را اعلام کند و به نقد مارکسیسم منصور حکمت بنشیند، باید کمونیست های کارگری را به اندیشه و حرکت وادارد. برای فائق آمدن به اغتشاش و پراکندگی باید کاری کرد. اتحاد صفوف کمونیسم کارگری یک نیاز مبرم است. برای کمونیسم کارگری این تنها ارزش مصرف نوشته رضا مقدم است. *

۱۰ اکتبر را به روز جهانی

علیه رژیم ۱۰۰ هزار اعدام تبدیل کنیم!



۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز جهانی علیه مجازات اعدام است. در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۷ سازمان عفو بین الملل، "اتتلاف جهانی علیه مجازات اعدام" و ان جی او ها، قطعهنامه ای را به مجمع عمومی سازمان ملل مینی بر "توقف اعدام در جهان" ارائه خواهند کرد. این اقدام تلاشی در جهت لغو مجازات اعدام در جهان است.

اعدام جنایت سازمان یافته دولتی است. قتل عمد دولتی است. اعدام یک ابزار طبقات حاکم برای کنترل و

به انقیاد در آوردن جامعه و سربیزیر نگهداشتن مردم معترض است. کشتن عامدانه و گرفتن حق حیات انسانها، به هر دلیل و بهانه ای، حق هیچ دولت و قدرتی نیست. یک رکن تلاش ما برای برپایی نظامی آزاد، برابر، مرفه و انسانی، مبارزه قاطع برای برچیدن بساط شنیع اعدام و لغو مجازات اعدام در جوامع بشری است.

رژیم اسلامی حکومت صد هزار اعدام و کشتارهای تکان دهنده است. خرداد شصت و شهریور شصت و هفت نمونه های برجسته عملکرد این دستگاه جنایت اسلامی است. جمهوری اسلامی حکومت سمبل مجازات اعدام در جهان است. مبارزه برای لغو مجازات اعدام در جهان، نمیتواند بدون سازمان دادن مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام در ایران به پیش برده شود. ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام است. باید جمهوری اسلامی را در اینروز در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان به محاکمه کشید. باید جهان یکصدا رژیم طالبانهای ایران را با تمام کراهت اش محکوم کند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری، در کنار تلاش جهانی برای لغو مجازات اعدام، ۱۰ اکتبر را روز مبارزه با حکومت سمبل اعدام یعنی جمهوری اسلامی اعلام میکند. حزب از تمامی نیروهای آزادیخواه، انساندوست، و پیشرو میخواهد که در این روز متحدانه علیه اعدام و رژیم اسلامی اعدام به میدان بیایند. این روز تریبون بشریتی است که برای رهائی از بربریت تلاش میکند. در اینروز باید تظاهراتها و میتینگهای بزرگی در نقد و افشای مجازات اعدام در خیابانها و سالنهای اجتماعات برگزار شود. مبارزه برای "توقف مجازات اعدام" و لغو آن، باید با خواست مشخص و فوری؛ لغو تمامی احکام اعدام صادر شده توسط رژیم اسلامی، و برچیدن چوبه های دار گره بخورد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بویژه از تمامی فعالین اجتماعی و نیروها و نهادهای مخالف اعدام در ایران میخواهد که برای برگزاری این روز از هم اکنون دست به کار شوند. کمونیسم کارگری منصور حکمت پرچمدار مبارزه برای برچیدن مجازات اعدام در ایران است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برافراشتن قویتر این پرچم و سازماندهی مبارزه ای قدرتمند و اجتماعی علیه اعدام در ایران و جهان را، وظیفه فوری تمامی نیروهای جنبش کمونیسم کارگری میداند و به سهم خود برای تقویت و پیروزی این مبارزه تلاش میکند.

مرگ بر رژیم صد هزار اعدام!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ۲۲ اوت ۲۰۰۷

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری پیوندید!

موازین کار نشریه یک دنیای بهتر

* نشریه یک دنیای بهتر هر هفته در 12 صفحه منتشر میشود. این تصمیم به دلیل تسهیل امر انتشار و تکثیر است و نه انقباض در حجم مطالب و تنوع آنها. بنا به تصمیم سردبیر و اولویت سیاسی، چنانچه مطالبی انتشار آنها در نشریه ضروری باشد، جداگانه در ضمیمه یک دنیای بهتر منتشر میشوند.

* هر مقاله سیاسی حداکثر دو صفحه نشریه را بخود اختصاص میدهد. بنابراین حجم مطالب باید حداکثر معادل سه صفحه ورد با فونت 14 باشد. ترجیح ما اینست که هر مطلب از یک صفحه نشریه بیشتر نباشد.

* سردبیر در تلخیص، انتشار و یا رد مطالب آزاد است. هر مورد به اطلاع نویسنده میرسد.

* مطالب منتشر شده در نشریه نظر نویسندگان آن را منعکس میکند و ضرورتاً موضع رسمی حزب اتحاد کمونیسم کارگری نیست. مواضع رسمی حزب در اطلاعیه ها، قطعنامه ها، بیانیه ها و قرار ها و یا از طریق ارگانهای حزبی انعکاس می یابند.

* یک دنیای بهتر هدفش اینست بیشتر یک نشریه سیاسی - انتقادی - سازمانده باشد تا یک نشریه تئوریک - جدلی - آموزشی. اینگونه مطالب در بولتن مباحثات "کمونیسم کارگری" که ماهیانه منتشر میشود، چاپ میشوند.

* همینطور در سایت حزب صفحه ای با عنوان "ستون آزاد مباحث کمونیسم کارگری" باز شده است. این ستون به بحث پیرامون مسائل و محور هائی که هنوز به توافق عمومی در جنبش کمونیسم کارگری تبدیل نشدند، جدل و نقد مواضع سیاسی اختصاص دارد. ما از همه فعالین احزاب کمونیستی کارگری و جنبش سوسیالیستی کارگری مستقل از تعلق سازمانی برای شرکت فعال در این ستون دعوت میکنیم. همینطور در این ستون مباحثی که جنبه انتشار فوری دارند، منتشر میشوند. با نشریه یک دنیای بهتر همکاری کنید.

با بولتن مباحثات کمونیسم کارگری همکاری کنید!

اولین شماره بولتن "مباحثات کمونیسم کارگری" 15 سپتامبر 2007 منتشر میشود. این یک نشریه تئوریک - سیاسی است که به مباحثات کمونیسم کارگری اختصاص دارد.

در این نشریه تلاش میشود به مباحث اصلی و بحث برانگیز مطرح در جنبش کمونیسم کارگری از طریق مصاحبه، میزگرد و مقاله پرداخته شود. این یک نشریه حزبی نیست، لذا صفحات آن به روی کلیه کسانی که طی مقالاتی به مباحثات کمونیسم کارگری پردازند، باز است.

از کلیه کسانی که علاقمند به دخالت در این عرصه هستند دعوت میشود که مقالات خود را برای نشریه ارسال دارند. آخرین تاریخ دریافت مطلب برای شماره اول، 1 سپتامبر است. لطفاً مقالاتتان را در فرمت word به آدرس Majedi.azar@gmail.com ارسال کنید.

رد یا قبول مقاله برای انتشار با سردبیر است.

آذر ماجدی، سردبیر نشریه مباحثات کمونیسم کارگری

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک مالی کنید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای جامعه ای آزاد، برابر، و مرفه مبارزه میکند. ما در مبارزه خود به کمکهای مالی شما نیازمندیم.

Wells Fargo Bank,
Routing Number : 121 000 248
Account Number : 36 48 4688 52

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است! منصور حکمت

فرم تقاضای عضویت در حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱- نام و نام خانوادگی: (اسمی که با آن فعالیت سیاسی میکنید)

۲- سال تولد:

۳- چگونه با حزب آشنا شدید؟

تاریخ: امضا:

تلفن: ای میل:

* سابقه تحصیلات، تسلط به زبانهای اروپائی، قابلیت های فنی و تخصص های حرفه ای:

* شهر محل تولد و زندگی:

* سابقه فعالیت سیاسی و متشکل:

آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

Ali_Javadi@yahoo.com

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com

Siravash_d@yahoo.com

مسئولین کمیته سازمانده (سیاوش دانشور، نسرین رمضانعلی)

nasrin_ramzanali@yahoo.com

مسئولین کمیته خارج کشور (کریم نوری، سیروان قادری)

karim.savalan@bredband.net

sirvan_qaderi@yahoo.com

مسئول دبیرخانه (شراره نوری)

markazi.wupi@gmail.com

ستون آخر

آثر ماجدی



سنگ مفت، گنجشک مفت! زمانی که دو خردادی سابق نقد "مارکسیستی" مینویسد!

سال 1999 علنی کرد.

کنگره دوم را در ذهنم مرور کردم. همان کنگره ای که ظاهراً باعث شده است رضا مقدم صف اش را جدا کند. در این کنگره رضا مقدم هیچ نگفت. بعد از سخنرانی "حزب و قدرت سیاسی" نادر که با استقبال بسیار روبرو شد، به یاد دارم که رضا مقدم نوبت گرفته باشد و این چرخش "غیرمارکسیستی" منصور حکمت را نقد کرده باشد. این کنگره را مثل بسیاری اجلاس های دیگر حزبی با سکوت گذرانند. یک سال پس از این کنگره رضا مقدم در دو خط استعفا داد. طی این یک سال یک کلام در نقد مباحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه نگفت و ننوشت. وقتی هم که رفت فقط دو خط نوشت. گفت که میروم تا به طرق دیگر فعالیت اش را ادامه دهد. منصور حکمت هم با عزت و احترام او را بدرقه کرد.

حالا 8 سال پس از استعفا و 5 سال پس از مرگ منصور حکمت رضا مقدم سکوت خود را شکسته است. زبان باز کرده و به نقد سیاست ها و تئوری هایی نشسته است که ادعا میکند موجب استعفایش از حزب شده است. منصور حکمت "غیرمارکسیست" شده است. گویی ایشان خواب نما شده است. کسی نیست بگوید، آدم خوب همان موقع که منصور حکمت این تزه های "غیرمارکسیستی" را مطرح کرد، نقدشان میکردی تا حزب را از بیراهه رفتن برحذر کنی! چرا رفتی؟ میماندی و برای سیاست "کارگری" در حزب میجنگیدی؟

زمانی که رضا مقدم و تعداد دیگری از کادرهای حزب استعفا کردند زمان برو بیای "جامعه مدنی" خاتمی چی ها بود. قبل از جدایی یکی دو مقاله ای که در این رابطه با خط روشن دو خردادی نوشته شده بود و رضا مقدم

چند روز پیش با یکی از دوستان صحبت میکردم. وسط صحبت گفت راستی کتاب رضا مقدم را دیده ای؟ گفت نه، کدام؟ گفت کمونیسم کارگری و منصور حکمت را نقد کرده است. گفته منصور حکمت مارکسیست نبوده! گفتم شوخی میکنی. خندیدم.

حس کنجاوی ام جلب شد. جزوه را پیدا کردم. نگاهی سریع به آن انداختم. فکر کردم که واقعا دنیایی شده است. گذشته خیلی سریع مثل برق از ذهن عبور کرد. وقتی در اتحاد مبارزان کمونیست بودیم و با رضا مقدم و دوستان سابق دیگر و منصور حکمت (نادر) فعالیت میکردیم. تلاش بیوقفه نادر در سر و کله زدن با مقالات رضا مقدم را بخاطر آوردیم. تلاش او برای آموزش مارکسیسم را. بعد سریع از دوران حزب کمونیست ایران گذشتم و به تشکیل حزب کمونیست کارگری رسیدیم. به کنفرانس کادرها، اولین مجمع حزبی وسیع در حزب کمونیست کارگری. در این مجمع منصور حکمت اعلام کرد که این حزب الان متعلق به تمام شما، کادرهای حزب است و دیگر کانون (کمونیسم کارگری) تمام شد. حزب شما نیست. (گفته ای با این مضمون). ایرج آذرین به شدت ناراحت و برافروخته شد و به رضا مقدم گفت: چه میگوید؟ ایرج همیشه دوست داشت مرجع باشد. این مجمع پست مرجعیت را رسماً از او گرفت. ایرج آذرین خیلی سریع دست از کار حزبی شست. رفت و پشتش را هم نگاه نکرد. اما استعفا نامه اش را همراه مستعین

قصد چاپ آنها را در انترناسیونال داشت (در آن زمان او سردبیر بود و من دستیار سردبیر) با مخالفت من روبرو شد. بخصوص در مورد یکی از آنها، مقاله ای از بهمن شفیق، بطوریکه منصور حکمت بعنوان دبیر حزب نیز وارد بحث شد و توصیه کرد که چاپ نشود. اختلاف نظر علیرغم سکوت رضا مقدم برای ما روشن بود. این اختلاف نظر هیچ ربطی به غیر مارکسیستی بودن بحث حزب و قدرت سیاسی نداشت. دو خرداد و جامعه مدنی جلب شان کرده بود. رگه های دو خردادی و شیفتگی به جامعه مدنی در صحبت های رضا موج میزد. سراب جامعه مدنی آنها را برد. اما "شکست" کمونیسم کارگری را اعلام کردند و رفتند. اینها 9 سال پیش گفتند کمونیسم کارگری شکست خورده است. حالا بعد از 9 سال بن بست اش را اعلام میکنند! اینها آرزوی شکست کمونیسم کارگری را در سر پروراندند. 9 سال با این امید و آرزو زندگی کرده اند. تا زمانی

صفحه 10

برنامه های تلویزیونی برای یک دنیای بتر

جمعه: ساعات ۵ بعد از ظهر
بوقت تهران

یکشنبه: ساعت ۱۲:۳۰ و
۵:۳۰ بعد از ظهر

دوشنبه: ساعت ۲:۳۰ بعد از
ظهر

در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم.

لطفاً روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیست و سوسیالیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مجرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

<http://www.m-hekmat.com/>

یک دنیای بهتر

برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری را
بخوانید و به دوستانتان توصیه کنید!

از سایت و وبلاگ حزب دیدن کنید؛

www.for-abetterworld.com

<http://for-abetterworld.blogfa.com>

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!